

تحلیل ساختارهای ژئوپلیتیکی تروریسم در دهه اول هزاره سوم میلادی

* سجاد کریمی پاشاکی

** روح‌الله منعم

*** محمدصادق یحیی پور

چکیده

مبارزه با تروریسم که شامل اقدام سیاسی و نظامی علیه تروریسم بین‌الملل است، بیانگر اجماعی هرچند ناموزون برای شکل‌دهی به عملیات‌های تلافی‌جویانه و یا پیش‌دستانه در غالب مبارزه و مقابله با تروریست‌ها و پیشگیری از تروریسم است که پس از 11 سپتامبر 2001، ایالات متحده آمریکا در آن نقش محوری ایفا نمود. بازخورد این دسته از اقدامات بر ساختارهای ژئوپلیتیک جهانی در دهه اول سال 2000 میلادی تأثیر

* دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (sajadkarimipashaki@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان

*** رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد صومعه‌سرا و دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: 1392/9/27

تاریخ دریافت: 1391/6/10

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره یازدهم، بهار 1393، صص 195-221.

شگرف گذاشت. تقسیم‌بندی جرج بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده از تروریسم که در سال 2002 در کنگره طرح گردید، مبنایی برای شکل‌گیری حملات پیش‌دستانه و امنیت دسته‌جمعی در دوره معاصر قرار گرفت. سیاست‌ها و راهبردهای جهانی در دهه اول هزاره سوم، با تأثیر از عامل تروریسم شکل پذیرفته و سازمان‌های ملی و منطقه‌ای تمهیداتی پیرامون مبارزه با تروریسم و یا تحدید کشورهای حامی آن اتخاذ نمودند. به دلیل اینکه دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تعریف تروریسم وحدت ندارند؛ بنابراین، گروه‌های تروریستی نیز می‌توانند دامنه‌ای از مدافع مشروع سرزمین و رزمندگان راه آزادی تا گروه‌های تروریستی بین‌الملل نام گیرند؛ از این رو، تأکید بر آمار و ارقام حملات تروریستی متغیر است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با روش تحلیلی توصیفی و استخراج داده‌های موجود در برخی از نقشه‌های سازمان‌های تحقیقاتی با موضوعیت گونه‌ها، ریسک‌ها و تهدیدهای تروریسم، تأثیر کارکرد تروریسم بر تحولات ژئوپولیتیک مناطق جهان ارزیابی گردد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپولیتیک، تروریسم، نقشه، چشم‌انداز، امنیت دسته‌جمعی، تهدید.

مقدمه

تأثیر متقابل تروریسم و جغرافیا با در نظر گرفتن به‌کارگیری ابزارهای جدید و همچنین توسعه اهداف حمله می‌تواند بازگوکننده پیچیدگی فعالیت گروه‌های تروریستی و نشان‌دهنده تحولات در سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها در این رابطه باشد. مسئله کارکرد تروریسم، شبکه‌های ارتباطی، منابع مالی و همچنین فعالیت‌های ضد تروریستی، خود می‌تواند منجر به بروز تحولاتی در عرصه ژئوپلیتیکی شود. در دوران جنگ سرد، کمونیسم به‌عنوان تهدید جهان از منظر قطب غربی یعنی آمریکا، و رشد امپریالیسم و سرمایه‌داری از دیدگاه قطب شرقی یعنی روسیه به‌عنوان تهدید جهانی محسوب می‌شدند که بر این اساس، امنیت بین‌الملل نیز ناشی از فعل و انفعالات میان این دو قطب تعیین می‌گشت. اما پس از فروپاشی شوروی، تهدیدهای جامعه جهانی را اقدامات تروریستی گروه‌های بالقوه خطرناک شکل دادند. خلاء تهدید جهانی به وجود آمده پس از فروپاشی شوروی با فعالیت‌های رو به گسترش تروریست‌هایی با رویکرد بنیادگرایانه که در برهه‌ای از تاریخ توسط کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده تأمین تسلیحاتی می‌شدند، مرتفع گردید و تروریسم به‌عنوان تهدید عمده نظام نوین جهانی مطرح شد. با این حال، موج‌های تروریسم همواره یکی از تهدیدهای بالقوه و بالفعل دولت‌ها و ملت‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد. سیاست‌های دولت‌ها در قبال تروریسم که عموماً با مبارزه و یا جنگ همراه است، تأثیر بسزایی بر تحولات ژئوپلیتیک آن کشور می‌گذارد. ایالات متحده آمریکا، جنگ با تروریسم در افغانستان و عراق را به‌منزله کد ژئوپلیتیک خود ارزیابی می‌کند که این کد، مجموعه استراتژی‌ها و علایق و اهداف این کشور را در جنگ با تروریسم سازمان

می‌دهد. از سویی نیز قلمروخواهی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی مصداقی از رویکردهای ژئوپولیتیک در چشم‌انداز تروریسم محسوب می‌شود. شناخت ریسک‌ها، گونه‌ها و مفاهیم و تأثیرات ژئوپولیتیک تروریسم بر سیاست جهانی سبب می‌شود تا درک درستی از امنیت بین‌الملل و چالش‌های فرا روی آن به دست آید. این نوشتار متمرکز بر ابعاد ژئوپولیتیک تروریسم با استفاده از آمارهای کمی مربوط به وقوع حوادث تروریستی در مناطق مختلف جهان، گونه‌ها و نیز ریسک‌های تروریستی حاصل از آن است.

1. طرح مسئله

بررسی تحولات تروریستی در چشم‌انداز جغرافیایی جهان می‌تواند بیانگر تطابق گونه‌شناسی تروریسم در مکان‌های جغرافیایی باشد. این موضوع بدان معناست که گونه‌های تروریستی در سطح کشورهای جهان به اقتضای تحولات سیاسی، قومیت‌ها، مذهب و غیره می‌تواند متغیر باشد. تأثیرگذاری اقدامات تروریستی بر فرایندهای ژئوپولیتیک، گویای بازیگری گروه‌های تروریستی در فرایندهای کسب قدرت و یا سهم‌خواهی آنان در عرصه روابط بین‌الملل است. این مسئله باعث شده است که گونه‌ای از تروریسم بین‌الملل که به صورت شبکه‌ای در سطح جهان فعالیت‌های خود را گسترش می‌دهد، به وجود آید. به نظر می‌رسد با بررسی سوابق تروریسم در یک نقطه جغرافیایی می‌توان به چشم‌انداز آن در آینده نیل پیدا کرد، به شرطی که بتوان جایگاه آن منطقه یا کشور را در فرایندهای تروریستی تبیین نمود. در این مقاله تلاش می‌گردد وقوع حوادث تروریستی به لحاظ کمی و کیفی که از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌ها و مؤسسات علمی و آموزشی در اختیار نهاده شده است، بررسی و در مقطع زمانی ده سال (محدوده سال‌های 2000 لغایت 2009) تحولاتی که تروریسم بر ژئوپولیتیک مناطق جهان نهاده است، بررسی شود؛ از این رو، این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که:

1. کدام گونه‌ها و میزان ریسک‌های تروریستی در مقطع سال‌های 2000 لغایت 2009 بر امنیت کشورهای جهان تأثیر نهاده است؟
2. آیا چشم‌اندازهای فعالیت‌های تروریستی در سطح جهانی می‌تواند منجر به

تحولات ژئوپلیتیکی گردد؟

2. روش تحقیق

چهارچوب این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و پردازش داده‌های استخراج شده از نقشه‌های جغرافیایی در خصوص ریسک و تهدیدات تروریسم تولیدی مؤسسه Aon¹ مربوط به سال‌های 2005، 2007 و 2009² و نیز طبقه‌بندی اطلاعات هریک از کشورهای جهان در دو شاخه سطوح ریسک تروریسم و نیز گونه‌شناسی تروریسم شکل گرفته است؛ از این رو، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به خصوص بانک‌های اطلاعاتی مربوط به تروریسم مد نظر نویسندگان قرار گرفته است.

3. مبانی نظری تحقیق

3-1. تحولات ژئوپلیتیکی تروریسم پس از 11 سپتامبر

تروریسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای زمان معاصر، با آغاز هزاره سوم و حوادث 11 سپتامبر، ساختارهای ژئوپلیتیکی جهان به‌خصوص حوزه جنوب غربی آسیا و جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داد (کریمی پاشاکی و یحیی‌پور، 1392: 118). 11 سپتامبر نقطه عطفی در رویارویی با پدیده تروریسم محسوب می‌شود. این حوادث که مراکز مهم و استراتژیکی را در خاک ایالات متحده هدف قرار داد، توانست انزجار عمومی نسبت به عملکرد تروریست‌هایی با ماهیت بنیادگرایی اسلامی را تقویت و گام بعدی را در جهت جنگ با تروریسم مهیا سازد. ایالات متحده بنا به نقش خود (میان سلطه و رهبری)³ که پس از جنگ سرد و فروپاشی

1. شرکت Aon، شرکتی چندملیتی بریتانیایی است که مقر آن در لندن است. این شرکت به ارائه خدمات در حوزه‌های مدیریت ریسک، بیمه، منابع انسانی و سرمایه‌گذاری در بیش از 120 کشور جهان می‌پردازد و دارای 500 شعبه در سرتاسر جهان است. این شرکت در سال 2011 به‌عنوان بزرگ‌ترین کارگزار بیمه در جهان بر اساس درآمد کسب‌شده معرفی گردید. (http://en.wikipedia.org/wiki/Aon_plc) (<http://www.aon.com/about-aon/company->) (overview.jsp)

2. داده‌هایی که این نقشه‌ها بر اساس آن شکل گرفته‌اند، بر اساس تعدد حملات، آسیب‌ها، اهداف حملات، طیف و گونه‌شناسی گروه‌های تروریستی و غیره هستند.

3. اشاره به کتاب: انتخاب؛ سلطه یا رهبری، نوشته زیبگینیو برژینسکی، چاپ انتشارات نی، سال 1386.

شوروی به ایفای آن مشغول بود، در ائتلافی میان برخی از کشورها، هسته مرکزی تروریسم بنیادگرای اسلامی در جهان را مورد هدف حمله قرار داد. اگرچه بحث و بررسی بر روی فلسفه حملات و اینکه آیا ایالات متحده در جنگ با تروریسم موفق بوده یا خیر، موافقان و مخالفان بسیاری را به خود مشغول نموده است، اما توسعه تروریسم در منطقه جنوب غرب آسیا به خصوص در افغانستان، پاکستان و عراق و همچنین توسعه یافتن فعالیت‌های القاعده در سطح جهان، شاید از مهم‌ترین تحولات تروریسم پس از 11 سپتامبر به شمار آید. تهدیدات امنیتی برخاسته از گروه‌های کوچک اما مصمم - خارج از چهارچوب جنگ‌های منظم - از معدود کاستی‌های مرزبندی سنتی به حساب می‌آید. باین حال، گروه‌های مزبور همچنان تهدید عمده‌ای برای بسیاری از کشورها محسوب می‌شوند (برادن و شلی، 1383: 173). دولت‌ها تا زمانی که از به‌کارگیری ابزارهای مقابله و مبارزه با تروریسم همچون دیپلماسی، عملیات‌های اطلاعاتی، اجرا و اعمال قوانین، عملیات‌های نظامی و آموزش‌های ضد تروریستی (Kushner, 2003: 99-102) برخوردار نباشند، رو به جنگ با تروریسم نمی‌آورند. هم‌گرایی موجود میان کشورهای حاضر در ائتلاف مبارزه با تروریسم جهانی، شکلی از هم‌گرایی ژئوپلیتیک فارغ از مرزهای بین‌المللی است. در واقع، کشورهای عضو، نیروهای نظامی و لجستیک خود را بر اساس علایق ژئوپلیتیک خود که در منافات با اقدامات تروریستی است به جهت مقابله با گروه‌های تروریست، خارج از خاک‌های خود مستقر نموده‌اند. توجیه این امر در ابتدا بیانگر فراجغرافیایی بودن مبارزه با تروریسم است و همچنین به میزان نفوذ تروریسم در استراتژی امنیت ملی این کشورها و در واقع کد ژئوپلیتیک هر یک از آنان اشاره دارد. اما تنها این تحولات در کشورهای مجری جنگ با تروریسم به چشم نمی‌خورد، برخی از گروه‌های سلفی در برخی از کشورهای اسلامی که صاحب قدرت در طبقه حاکمه نیز هستند به‌عنوان حامیان و یا تأمین‌کنندگان مالی برخی از گروه‌های تروریستی همچون القاعده محسوب می‌شوند. اما همواره در مناسبات و موضع‌گیری‌های بین‌المللی، دولت‌های این دسته از کشورها تروریسم را محکوم می‌نمایند. اولین نتیجه ژئوپلیتیک حمایت از افراط‌گرایی اسلامی، افزایش عمق ژئوپلیتیک است. این افزایش عمق در راستای ایجاد و یا تحکیم هم‌گرایی‌های

منطقه‌ای بر اساس فرمولی مشخص شکل می‌گیرد. فرمولی که ایدئولوژی را در شکل‌گیری سیاست خارجی و حمایت از گروه‌های جهادی تبیین می‌سازد. به لحاظ جغرافیایی نیز همگونی قابل توجهی از نظر گونه و نوع فعالیت‌های تروریستی می‌توان در برخی از کشورهای اسلامی به خصوص در حوزه جنوب غرب آسیا مشاهده کرد. در برخی از کشورهای اسلامی که ثبات سیاسی در آنها با چالش مواجه است، تروریسم برآمده از محرک‌های مذهبی، می‌تواند مکمل دیگر نارضایتی‌ها چون میل به جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی شود و به این ترتیب تنش‌ها همواره رنگ و بویی مذهبی به خود می‌گیرد. باورهای (غلط) مذهبی اغلب می‌تواند به شکل‌گیری اقدامات تروریستی و شورش‌های کمک کرده و در میان مذهبیان مشروعیت و حمایت کسب کند. شبکه القاعده، اسامه بن لادن و جنبش مسیحی آمریکا نمونه‌هایی از این ادعا هستند (کایراش، 1383: 312).

بخشی از فرایندهای تروریستی به دلیل روحیه نظامی‌گری حاکم بر دنیاست (سیمبر، 1385: 159). این دسته از فعالیت‌ها در گذشته با محدودیت دامنه جغرافیایی همراه بوده و عموماً به شکل آدم‌ربایی، ترور و بمب‌گذاری عینیت می‌یافت، اما با رشد و توسعه فناوری‌های علمی، ابزارهای تروریست‌ها نیز پیشرفت نمود. تروریسم عمدتاً به علت ناخرسندی از سیاست دولت یا حکومت شکل می‌گیرد و گروه‌های تروریستی در راستای ضربه زدن و تحت فشار گذاشتن دولت، به اقدامات خشونت‌آمیز روی می‌آورند (کریمی پاشاکی و علیزاده، 1389: 77). تروریسم به‌عنوان پاشنه آشیل دولت‌ها همواره به‌عنوان حادثه‌ای ناگهانی با تأثیرات خاص روانی به گروه‌های معارضی دلالت می‌نماید که در بستر جغرافیا و در بعد مکان و زمان رفتارهایی فراتر از انتظار را بروز می‌دهند؛ به عبارتی می‌توان به تروریسم جدید، خصوصیتی فراجغرافیایی داد. فاکتورهایی چون زمان و مکان به‌عنوان عوامل مهم در ژئوپلیتیک، حوزه‌های تروریسم را نیز مورد تأثیر خود قرار داده است؛ از این رو، بر اساس روش‌ها و دامنه، یک واقعه تروریستی می‌تواند ابعادی جهانی پیدا کند. این موضوع از آن جهت اهمیت می‌یابد که تلاش تروریست‌ها برای دستیابی و به‌کارگیری تسلیحات NBC¹ همواره وحشتی جهانی را متصور می‌نماید.

1. Nuclear- Biologic- Chemical

3-2. جغرافیا و تروریسم

سه مفهوم بنیادین جغرافیایی در رابطه با تروریسم نقش آفرینی می‌نمایند. این مفاهیم در واقع ابعاد مکانی و فضایی ظهور و کارکرد تروریسم را مشخص می‌کنند که شامل موارد زیر هستند:

1. زمینه تاریخی و جغرافیایی؛
2. مقیاس و محدوده جغرافیایی؛
3. نمادینه‌سازی مکانی؛

(هریک از عوامل مذکور ساختارهای جغرافیایی تروریسم را مشخص می‌نمایند).

زمینه تاریخی و جغرافیایی: یکی از جنبه‌های حائز اهمیت در بررسی ظهور و رشد تروریسم و گروه‌های تروریستی، توجه به زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی است. شناسایی پیچیدگی‌های تأثیرات زمانی و مکانی بر تروریسم با مطالعه تاریخ می‌تواند علل و دامنه این بحث را روشن نماید. رفتارهای سیاسی و یا تحکیمات جغرافیایی از سوی گروه یا دولت، بسترهای ظهور تروریسم را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر فقر و عدم وجود دموکراسی نیز تشدیدکننده این موضوع است، به‌عنوان مثال، ارتش آزادی‌بخش ایرلند که زمانی به‌عنوان یکی از گروه‌های تروریستی به حساب می‌آمد، به دلیل تحدیدهای جغرافیایی از سوی بریتانیا و نیز برخوردهای خشونت‌آمیز، به سوی اقدامات تروریستی گام برداشت. همچنین از نمونه‌های دیگری چون حزب کارگران ترکیه¹ یا برخی از گروه‌های فعال نظامی فلسطینی می‌توان نام برد. با این حال این زمینه‌ها نمی‌توانند توجیه‌کننده رفتارهای تروریستی باشند، چرا که برخی از این گروه‌ها در راستای توسعه قلمرو خود و یا ارتقا و تحکیم حاکمیت خود بر منطقه جغرافیایی خاص رو به ترور حرکت کرده‌اند که از جمله آنان می‌توان طالبان در افغانستان را نام برد.

مقیاس و محدوده جغرافیایی: از دیگر عوامل مهم در شکل‌گیری و بسط تروریسم، توجه به مقیاس و محدوده‌ای است که تروریست‌ها در آن اقدامات خراب‌کارانه انجام می‌دهند. در واقع، این عامل شعاع فضایی عملکرد آنان را به

1. Partiya Karkerên Kurdistanê (PKK)

نمایش می‌گذارد. محدوده‌هایی چون محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی عموماً در راستای طبقه‌بندی چنین گروه‌هایی استفاده می‌شوند. اما با این حال نمی‌توان شعاع عملکرد را بدون مطالعه پیش‌زمینه‌های تاریخی محدود کرد.

نمادینه‌سازی مکانی: خواسته‌ها، مطالبات، و پی بردن به نکات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تروریست‌ها، در واقع روشن‌کننده ماهیت رفتاری آنهاست. در واقع، این نمادینه‌سازی روشن‌کننده تمایلات تروریست‌ها، به‌خصوص در زمان‌های مذاکره بسیار مفید و سودمند است.

3-3. جغرافیای تروریسم و تحولات ژئوپلیتیک

مفاهیم راهبردی در حوزه روابط بین‌الملل ضمن داشتن تأثیرات سیاسی، حوزه‌های جغرافیایی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. سیر تحولات سیاسی پس از جنگ سرد با مفاهیم جغرافیایی کاملاً عجین بود و متغیرهای سیاسی و جغرافیایی در راستای راهبردهای سیاسی نقش‌آفرینی می‌کردند. در واقع، برای بررسی تروریسم و تحولات ژئوپلیتیک ناشی از آن در مناطق مختلف دنیا باید بر جغرافیا به‌عنوان بسترهای شکل‌گیری و تأثیرگذار بر تروریسم تمرکز نموده و با بررسی مؤلفه‌های جغرافیایی در تعاریف تروریسم می‌توان دریافت که چگونه تغییرات در محدوده جغرافیایی فعالیت تروریسم، در توضیح تغییر انگیزه‌ها و استدلال‌ات مربوط به تروریسم می‌تواند مفید باشد (Flint, 2005: 198). همان‌طور که بیان شد، تعاریف منسجم و مشترکی میان کشورها در رابطه با تعریف تروریسم نمی‌توان یافت. در واقع، تروریسم در بسیاری از کشورها جنایتی محسوب می‌شود که توسط قانون آن کشور تعریف می‌گردد، اما به‌لحاظ جغرافیایی، مفهوم تروریسم چهار حوزه مکانی را طرح می‌سازد که پرداختن به آنها در شناخت تحولات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تروریسم مفید است.

1. فضای جغرافیایی تروریست‌ها؛

2. فضای جغرافیایی هدف؛

3. فضای جغرافیایی مبارزه و جنگ علیه تروریسم؛

4. فضای فراجغرافیایی تروریسم؛

فضای جغرافیایی تروریست‌ها: اقدامات تروریستی همواره از سوی عامل یا عاملانی هدایت می‌شود که خود یا به طور مستقیم دست داشته و یا واسطه‌هایی را در این رابطه به کار می‌گیرند. اما در هر حالتی که باشد، تروریست‌ها از یک فضای جغرافیایی برای سازمان‌دهی خود استفاده می‌نمایند که به لحاظ امنیتی برای آنان تأیید شده است. این فضای جغرافیایی تنها به عنوان یک پناهگاه و مأمن نقش ایفا نمی‌نماید، بلکه کاربردی فراتر از آن دارد. با بررسی چند گروه تروریستی می‌توان این منظور را تبیین کرد. بررسی مکان جغرافیای ظهور و فعالیت طالبان و القاعده به عنوان دو گروه تروریستی شناخته شده که یکی در سطح ملی و دیگری در سطح جهانی فعالیت‌های خود را گسترانیده است، مورد توجه است. امروزه شبکه القاعده - مخصوصاً پس از 11 سپتامبر - به عنوان یک گروه تروریستی که به نام اسلام و بر اساس اهداف و مواضع مذهبی عمل می‌کند، توجه اندیشمندان تروریسم را به خود جلب کرده است (رهامی و علی‌نژاد، 1390: 140). افغانستان به عنوان کشوری که سالیان متمادی درگیر جنگ‌ها و درگیری‌های قومی و مذهبی است و نیز به لحاظ جغرافیایی دارای شرایط سخت و کوهستانی است، مکان مناسبی برای گرد هم آمدن بنیادگرایان اسلامی شد که فعالیت‌های خود را به شکلی افراط‌گرایانه از طریق روش‌های خشونت‌باری همچون تروریسم بسط و گسترش داده‌اند. علاوه بر آن، فرقه‌گرایی شدید همسایه شرقی آن یعنی پاکستان نیز عاملی تأثیرگذار در ارتباطاتی از این دست با گروه‌های بنیادگرا در افغانستان شده است. از سوی دیگر، مناطق مرزی شمال شرقی افغانستان که کوهستانی و صعب‌العبور است مکان مناسبی برای استقرار گروه‌هایی چون القاعده شده است. البته فضای جغرافیایی تروریست‌ها تنها به مکان‌های پناهگاهی و یا قلمرو تروریست‌ها اطلاق نمی‌شود. موج فعالیت‌های تروریستی در مکان‌هایی دیگر نیز توسط تروریست‌ها شکل می‌گیرد که در واقع گذار از مرزهای حفاظت‌شده خود است. آنها با این عمل خواهان گسترش قلمرو خود از طریق اقدامات خراب‌کارانه و تحت تأثیر قرار دادن قدرت حاکم هستند.

فضای جغرافیایی هدف: هدف‌ها در مجموعه حوادث تروریستی از گستره متنوع و گوناگونی برخوردار هستند. در واقع، این اهداف بنا به میزان آسیب‌پذیری مورد توجه تروریست‌ها قرار می‌گیرند. خسارت‌های وارده پس از حوادث

تروریستی و ایجاد فضای روانی ناامن، از خصوصیت‌های فضای جغرافیایی هدف است. جامعه هدف می‌تواند شامل نهادهای امنیتی، شهروندان، نیروهای دولتی و دیپلماتیک، مراکز و نهادهای دینی، حمل و نقل هوایی و دریایی، ساختارهای زیربنایی و مخابراتی، نهادهای تجاری، سازمان‌های آموزشی، سازمان‌های غیر دولتی و رسانه‌ای، توریست‌ها و غیره (Terrorism Threat Map, 2007) باشد. گروه‌های تروریستی بنا به ماهیت و اهداف ذاتی خود، جامعه یا جوامع خاصی را مورد هدف قرار می‌دهند. این اقدامات و یا جو امنیتی ناشی از رفتارهای تروریستی، فضای جامعه هدف را منقطع از خود کرده و هزینه‌های مضاعف امنیتی را به جامعه تحمیل می‌نماید. علاوه بر آن، از بُعد جغرافیایی، این فعل و انفعالات، معرف فضای جغرافیایی جامعه هدف است. شکل‌گیری الگوهای ضد تروریسم¹ که در واقع شکلی از پدافند غیر عامل است، نمونه‌ای از واکنش‌های جامعه هدف به اقدامات تروریستی در شکل غیر مقابله‌جویانه آن است. این دسته از اقدامات آماده و مقاوم‌سازی تأسیسات و ساختارها و نیز بهبودسازی رفتارهای انسانی در جوامعی است که دارای ریسک قابل اهمیت تروریسم هستند.

فضای جغرافیایی مبارزه یا جنگ علیه تروریسم: فضای جغرافیایی که مبارزه یا جنگ با تروریسم را شامل می‌گردد فضای پیچیده‌ای است، چرا که بسته به نوع درگیری‌ها از محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند وسعت یابد. تهدیدهای امنیتی، دولت‌ها و نظام‌های منطقه‌ای و جهانی را بر آن می‌دارد تا قسمتی از استراتژی‌های خود را بر مبنای تهدیدات تروریستی پایه‌ریزی نمایند. در واقع، ابعاد ژئوپلیتیکی مبارزه و جنگ با تروریسم فراتر از مرزهای جغرافیایی نقش ایفا می‌نماید. نمونه بارز این ایفای نقش را می‌توان پس از حوادث 11 سپتامبر جست‌وجو کرد، زمانی که سیاست راهبردی ایالات متحده در جنگ با تروریسم، تروریست‌ها و حامیان‌شان را در سویی و دیگران را در سوی دیگر قرار می‌داد. این تفکیک با ابداع واژگانی چون محور شرارت و کشورهای بالقوه خطرناک دامنه وسیع جغرافیایی تروریسم را به تصویر کشیده و گروه‌بندی‌های جدیدی را در این راستا موجب شده است. حضور ایالات متحده و کشورهای عضو ائتلاف در

1. Anti-terrorism

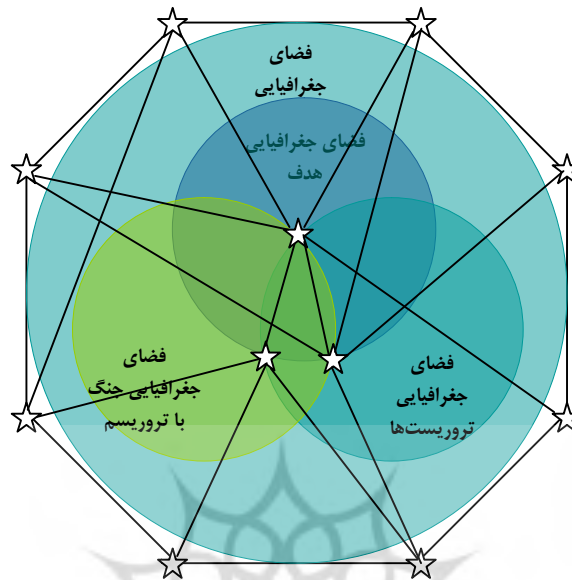
کشورهای عراق و افغانستان در راستای جنگ با تروریسم، در واقع بیان‌کننده این است که این کشورها می‌خواهند تروریست‌ها را در خاک خود محدود نمایند. این اعزام نیرو و تأسیس پایگاه‌های جدید نظامی در منطقه خاورمیانه ابعاد دیگری را نیز روشن می‌نماید. حضور در مناطق جنوبی روسیه و نیز کنترل ایران در جهت تحدید قلمروخواهی ایران در منطقه، از دیگر اهدافی است که ایالات متحده در راستای آن گام بر می‌دارد. در واقع، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای حمایت‌کننده از تروریست‌ها توسط آمریکا قلمداد شده و در این راستا مورد تحریم‌های شدید این کشور قرار گرفته است. با این وجود، طبق مفاهیم ژئوپولیتیک جنگ با تروریسم به‌عنوان کد ژئوپولیتیک آمریکا محسوب می‌شود. کدهای ژئوپولیتیک نشان‌دهنده چشم‌انداز کم و بیش منسجم ژئوپولیتیک جهانی یا وضعیت و یا علایق یک کشور مشخص است که بر مبنای سیاست خارجی تجویز می‌شود (O'Loughlin, 1994: 89). جنگ با تروریسم به‌عنوان کد ژئوپولیتیک، تبیین‌کننده نقش جهانی ایالات متحده در غالب برقرارکننده امنیت جهانی است. دشمن، یک رژیم سیاسی یا یک فرد و یا یک مذهب یا ایدئولوژی نیست، دشمن، تروریسم است. استفاده هوشمندانه از منفرد نبودن دشمن، باعث می‌شود که این کد به‌صورت جغرافیایی یک کد جهانی قلمداد گردد (Flint, 2006: 72).

فضای فراجغرافیایی¹ تروریسم: تروریسم علاوه بر روابط ظاهری با جغرافیا و کنش‌ها و واکنش‌ها با اهداف خود، مجموعه روابط پیچیده را فراتر از ابعاد جغرافیایی ایجاد نموده است. با مطالعه تروریسم جهانی از اواخر دهه 90 تا به امروز می‌توان به این روابط شبکه‌وار پی برد. مجموعه‌ای از گره‌ها² روابط تروریست‌های جهانی را به یکدیگر مربوط می‌سازد. برای مثال حمایت‌های مالی، افراد، تسلیحات، مواد منفجره و اطلاعات از گره تا گره‌های دیگر به‌واسطه روابط شبکه‌وار به یکدیگر متصل می‌شوند. البته این دسته از ارتباطات به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شوند که اگر جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی، امور مالی، عملیات‌های انتحاری و تروریستی یک گره در حملات ضد تروریستی مختل شد،

1. Metageography
2. Node

مجموعه از هم نباشد و بنابراین وضعیت ساختارمند و باثبات‌تری در این بین ایجاد می‌شود (Flint, 2006: 173). برای مثال می‌توان از سازمان تروریستی القاعده نام برد. روابط فراملیتی¹ و شبکه‌وار این سازمان در سطح جهان بر اساس گره‌های متعددی شکل گرفته است و میان این گره‌ها مجموعه‌ای از روابط برقرار است. توسعه شبکه‌وار القاعده در کشورهای اسلامی و نیز فراتر از آن به گونه‌ای است که امروزه ایجاد موج‌های ناامنی در سرتاسر دنیا به چشم می‌خورد. بررسی عملکرد القاعده در خاورمیانه، هند، چین، آسیای جنوب شرقی، آفریقا، اروپا و آمریکا مبین این رشد شبکه‌وار است، شبکه‌ای که می‌تواند هم‌زمان در نقاط مختلف دنیا تحرکات تروریستی را منجر گردد. با بررسی مدل پیشنهادی فضای جغرافیایی تروریسم (دیاگرام شماره 1) می‌توان به نقش فراجغرافیایی تروریسم و نیز ارتباط آن با دیگر فضاهای جغرافیایی تروریسم پی برد. در واقع، عوامل تروریستی و یا حمایتگران آنان می‌توانند در فضای جغرافیایی هدف و گروه‌های مبارزه‌کننده با تروریسم نیز ایفای نقش نمایند؛ از این رو است که شبکه‌وار بودن این مدل ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر انطباق این فضا با محیط‌های سایبری که می‌تواند محلی برای رشد فزاینده اتصالات گروه‌های تروریستی باشد، بر اهمیت فضای فراجغرافیایی افزوده است. بدین ترتیب نقاط اتصال به معنای اتصالات شبکه‌ای فراتر از محدوده‌های جغرافیایی معنا پیدا می‌کند.

دیاگرام شماره 1. انطباق فضای فراجغرافیایی بر فضاهای جغرافیایی تروریسم



ترسیم: نگارندگان

4. یافته‌های تحقیق

4-1. مفاهیم مؤثر در چشم‌انداز تروریسم

همواره در تقسیم‌بندی‌های تروریسم تنوع و گوناگونی بسیاری به چشم می‌خورد؛ بنابراین، دست یافتن به یک تقسیم‌بندی جامع سخت به نظر می‌رسد، از سوی دیگر ماهیت پویای تروریسم باعث ظهور انواع اقدامات جدید تروریستی می‌گردد و به تبع آن در ساختاربندی‌های موجود در گونه‌های آن، تغییر به وجود می‌آورد. علاوه بر این، اقدامات تروریستی از لحاظ مکانی دارای تفاوت‌های قابل توجهی هستند، بدین معنا که بومی بودن گونه‌ای از تروریسم در یک نقطه جغرافیایی لزوماً شباهتی با تروریسم در مکانی دیگر ندارد. جهت ارزیابی چشم‌انداز تروریسم لازم است نسبت به یک تعریف مناسب از گونه‌های مورد بحث تروریسم اشاره شود. در مجموعه نقشه‌های تهدیدات تروریستی جهان در سال‌های 2005، 2007 و 2009،

نه گونه جامع تروریستی مد نظر قرار گرفته شده است. هرچند که برخی از این گونه‌ها بنا به اهمیت و میزان وقوع در برخی از سال‌ها آورده نشده‌اند. گونه‌های راست‌گرا¹ (مرتجع)، ناسیونالیسم و جدایی طلب،² افراط‌گرایی اسلامی³ (شامل اسلام‌گرایی ملی و اسلام‌گرایی جهانی)،⁴ علائق شخصی،⁵ مارکسیست و چپ‌گرا،⁶ سازمان‌های جنایی و مواد مخدر،⁷ دیگر افراط‌گرایان مذهبی⁸ و آدم‌ربایی⁹ از گونه‌های تروریسم اشاره شده در این نقشه‌ها هستند.

راست‌گرا (مرتجع): در ترجمه لغوی به گروه‌هایی از افراد که در نگرش و رفتارهای سیاسی خود نگاهی سنت‌محور و مرتجعانه دارند، گفته می‌شود. در واقع، تروریسم راست‌گرا با ظهور گروه یک صد سیاه¹⁰ در روسیه که در جهت مبارزه با انقلاب روسیه پدید آمد، پا به عرصه ظهور گذاشت. اندیشه‌های راست‌گرا با خصوصیت‌هایی چون تبعیض نژادی و رد عدالت اجتماعی (wikipedia.org) در مقابل چپ‌گرایان، از وجوه بارز این دسته از تروریسم است.¹¹

ناسیونالیسم و جدایی طلب: تلاش برای استقلال سرزمینی یکی از مهم‌ترین دلایل جهت بروز جنگ و نزاع بوده است. این احساس زمانی تقویت می‌شود که اقوام از لحاظ جغرافیایی و تاریخی با قوم‌های همگون ارتباط برقرار کنند و حکومت مرکزی نیز برآورده‌کننده خواسته‌های آنان نباشد؛ از این رو است که احتمال بروز تنش دور از تصور نیست. در این گونه از تروریسم، تروریست‌ها به دنبال یک حکومت مستقل یا پایان دادن به اشغال کشور و یا حرکت ضد استعماری برای پایان دادن به استعمار کشور و کسب استقلال آن هستند (عبدالله‌خانی، 1386: 25).

افراط‌گرایی اسلامی: تروریسم افراط‌گرایی اسلامی در واقع زیرمجموعه تروریسم مذهبی محسوب می‌شود. تروریسم، به‌خصوص زمانی که با انگیزه‌ها و

1. Far right

2. Nationalism/Separatist

3. Islamic extremist

4. در نقشه سال 2009 افراط‌گرایی اسلامی به دو گونه مجزای اسلام‌گرایی ملی و اسلام‌گرایی جهانی تقسیم شده است.

5. Single interest

6. Marxist/Leftist

7. Narco/Organization crime

8. Other religious extremist

9. Kidnap

10. Black hundred

11. برای مطالعه بیشتر رک: دردریان و دیگران، 1382: 34.

علاقه‌مندی‌های مذهبی آمیخته می‌گردد، سطوح تلفات و آسیب‌رسانی را به طور فاجعه‌آمیزی تحمیل می‌نماید (Gray, 2007: 236). رفتارهای خشونت‌آمیز بنیادگرایان مذهبی و به‌کارگیری سلاح ترور در اقدامات خود، تجلی بخش تروریسم افراط‌گرای اسلامی است. این‌گونه از تروریسم از سال 1980 با نیرومند شدن برداشت‌های بنیادگرایانه از ملت‌گرایی، دین و سیاست، موج جدیدی از ترور را به وجود آورده است (دردریان و دیگران، 1382: 39). اگرچه این‌گونه از تروریسم در ابعاد ملی ظهور بیشتری یافته، اما پس از دهه 90 میلادی روندی جهانی به خود گرفته و به اهدافی در سرتاسر جهان حمله نموده است؛ از این‌رو، با بزرگ‌تر شدن تهدید جهانی آن، در نقشه سال 2009، افراط‌گرایی اسلامی به دو گونه اسلام‌گرایی ملی و اسلام‌گرایی جهانی تفکیک شده است.

علاقه شخصی: این‌گونه از تروریسم دربرگیرنده گروه‌های مدافع حقوق حیوانات و نیز مخالفان سقط جنین هستند و به عبارتی رفتارهای تروریستی آنان ناشی از دیدگاه‌های سیاسی نیست، بلکه تشدید علائق شخصی و اقدامات افراط‌گرایانه در این راستا باعث بروز اقدامات تروریستی می‌شود.

مارکسیست و چپ‌گرا: اندیشه‌های ناشی از دیدگاه‌های مارکسیستی و تلفیق آن با تروریسم، به وجود آورنده تروریسم چپ‌گرا شده است. البته این دسته از برداشت‌ها، خود دلیلی بر اقدامات تروریستی به حساب نمی‌آید، بلکه به طور مثال به همراه اندیشه‌های جدایی‌طلبانه عامل مضاعفی برای اقدامات تروریستی محسوب می‌شد. اقدامات تروریستی از طریق گروه‌هایی با اندیشه‌های مارکسیستی و کمونیستی انجام می‌شود و می‌توان از گروه‌هایی چون فارک،¹ راه درخشان² و غیره نام برد.

سازمان‌های جنایی و مواد مخدر: این‌گونه از تروریسم در واقع از طریق تلاش سازمان‌های جنایی و قاچاقچیان سازمان‌یافته مواد مخدر در تأثیر گذاشتن بر سیاست دولت‌ها در جامعه از طریق ارباب و تهدید و اقدامات خراب‌کارانه صورت می‌گیرد. در واقع، حمله به مراکز نظامی و پلیسی از اقدامات تروریستی این گروه‌ها

1. FARK

2. Shining path

محسوب می‌شود.

دیگر افراط‌گرایان مذهبی: اقدامات افراط‌گرایانه برآمده از باورهای غلط مذهبی می‌تواند برجسته‌کننده حرکات تروریستی باشد. به غیر از افراط‌گرایی اسلامی که به علت وسعت و تعدد، خود عاملی مجزا محسوب می‌شود، بنیادگرایی مسیحی و یهودی و یا اقدامات تروریستی سیک‌ها در هند از جمله موارد مطرح‌شده در نقشه‌های تهدیدات تروریستی است.

آدم‌ربایی: آدم‌ربایی به‌منظور نیل به اهداف سیاسی و یا گروگان‌گیری در جهت کسب منافع، از ابزارهای تروریستی محسوب می‌شود که به علت گستردگی امر در غالب گونه‌های تروریستی به کار گرفته شده و این ریسک به‌عنوان ریسک کشوری تروریسم مشخص شده است.

علاوه بر گونه‌های طرح‌شده، طبقه‌بندی کشورهای جهان به سطوح مختلف دارای ریسک تروریستی قابل توجهی است. مشخص نمودن میزان ریسک هر کشور بر اساس تعداد حملات، کشته و زخمی‌های حوادث تروریستی و نیز احتمال وقوع این دسته از حوادث سنجیده می‌شود؛ از این رو، تروریسم در کشورهای جهان در پنج سطح ذکر شده ارزیابی می‌گردد:

الف) سطح کم¹ که بیانگر ریسک پایین عملیات‌های تروریستی است؛
ب) سطح حفاظت‌شده² که نشان‌دهنده کنترل بر اقدامات تروریستی است؛
پ) سطح زیاد³ که ریسک قابل توجه عملیات‌های تروریستی را نشان می‌دهد؛
ت) سطح بسیار زیاد⁴ که ریسک بسیار زیاد عملیات‌های تروریستی را نشان می‌دهد؛

ث) سطح پنجم که شدید⁵ است و بیان‌کننده افزایش ریسک حملات تروریستی محسوب می‌گردد (Homeland Security Advisory System: 175).

4-2. نقشه‌ها و تحلیل‌ها

در بررسی تعداد حملات صورت پذیرفته شده تروریستی و به تبع آن آسیب‌دیدگان

1. Low

2. Guarded

3. Elevated

4. High

5. Severe

این حوادث، سال‌های مورد بررسی قرار گرفته شده از 2005 لغایت 2008 در نظر گرفته شده است. آسیب‌دیدگان حوادث تروریستی شامل کشته‌شدگان، زخمی‌ها و گروگان گرفته شده‌هاست (جدول شماره 1).

جدول شماره 1. تعداد حملات و آسیب‌دیدگان حوادث تروریستی بین سال‌های 2005 تا 2009

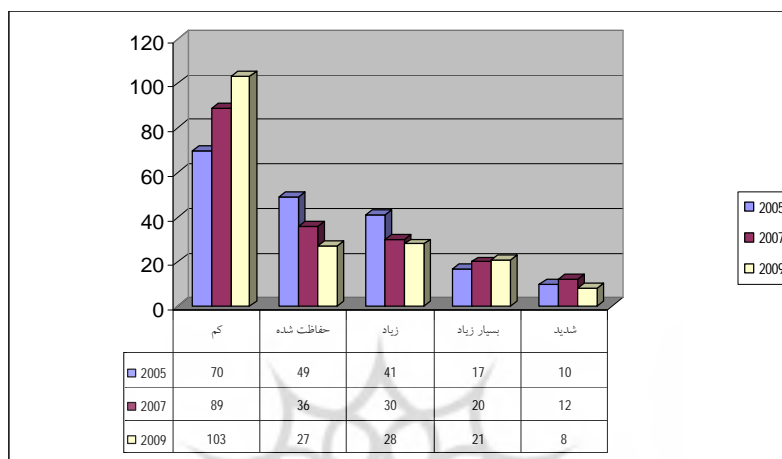
سال	تعداد حملات	تعداد آسیب‌دیدگان
2005	11023	74327
2006	14443	74616
2007	14435	71856
2008	11725	54653
2009	10999	58142

Cordesman and Burke, 2011: 8

بررسی تطبیقی تعداد حملات و نیز آسیب‌دیدگان حوادث تروریستی از سال 2005 لغایت 2009، بیانگر کاهش مشهود تعداد آسیب‌دیدگان این دسته از حوادث است. در واقع، کلیه حملات واقع شده به آسیب دیدن افراد منجر نشده است، اما از سوی دیگر، تعداد حملات پس از سال 2005 افزایش مشخصی داشته و از سال 2007 کاهش تدریجی آن آغاز شده و در سال 2009 میزان حملات به طوری است که به میزان تقریبی سال 2005 نزدیک شده است. این مقایسه نشان می‌دهد اگرچه تعداد حملات تروریستی در سال 2009 به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به سال‌های قبل خود کاهش یافته و به حدود سال 2005 نزدیک شده است، اما میزان آسیب‌دیدگان این حوادث نیز به‌رغم کاهش نسبت به سال‌های 2005، 2006 و 2007، در سال 2009 افزایش محسوسی داشته است. در واقع، این نتیجه بیان‌کننده کنترل نسبی بر فعالیت‌های تروریستی توسط دولت‌ها و سازمان‌های دخیل در این امر و نیز ارتقای سطح امنیتی مناطق آلوده است. در این راستا با بررسی میزان ریسک تروریسم در کشورهای جهان با استفاده از پنج سطح طبقه‌بندی شده ذکر شده، مشخص می‌شود که افزایش مناطق کم‌خطر و کاهش مناطق حفاظت‌شده، زیاد و شدید در سال 2009 نسبت به سال‌های قبل از آن قابل توجه است. همچنین سطح ریسک بسیار زیاد نیز به طور پلکانی، روندی صعودی را از سال 2005 تا 2009 طی نموده است. این روند بیان‌کننده کاهش ریسک‌های تروریستی در کشورهای جهان است. در واقع، کاهش در تعداد کشورهایی که در آنها سطح ریسک تروریسم شدید بوده، می‌تواند

زمینه‌های توسعه تروریسم را از این دسته از کشورها که به‌عنوان محور و منبع در نظر گرفته می‌شدند، بکاهد.

نمودار شماره 1. بررسی تطبیقی ریسک تروریسم در کشورهای جهان از 2005 تا 2009



منبع: استخراج نگارندگان از نقشه‌های Terrorism risk map 2005, 2007 & 2009

علاوه بر سنجش میزان ریسک در کشورهای جهان، مشخصه‌های گونه‌ای این ریسک‌ها نیز می‌تواند فرایندهای ژئوپلیتیکی موجود در آن کشورها را توجیه و تفسیر نماید. در جدول شماره 2 این کشورها بر اساس گونه‌هایی که در مورد آن توضیح داده شد، طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول شماره 2. دسته‌بندی کشورهای جهان بر اساس گونه‌های تروریستی در سال‌های 2005، 2007 و

2009

گونه‌های تروریستی	2005	2007	2009
راست‌گرا و مرتجع	گرجستان - افریقای جنوبی - اتریش - سوئیس - صربستان - آلمان - ایتالیا - هلند - السالوادور - کانادا - کلمبیا -	گرجستان - افریقای جنوبی - اتریش - صربستان - دانمارک - فرانسه - هلند - السالوادور - آمریکا - کلمبیا -	1 -
ناسیونالیسم و جدایی طلب	آذربایجان - لائوس - تاجیکستان - چین - گرجستان - ازبکستان - مالزی - برمه - اسرائیل - اندونزی - بنگلادش - روسیه - تایلند - ترکیه - افغانستان - هند - عراق - پاکستان - سریلانکا - کومور - گینه-گینه بیسائو - ماداگاسکار - سیرالئون - افریقای مرکزی - کنگو برازاویل - برونزی - لیبیا - مالی - کیپ ورد - اریتره - انگولا - چاد - جمهوری دمکراتیک کنگو - اتیوپی - نیجریه - سودان - سومالی - ایرلند جنوبی - مقدونیه - صربستان - بوسنی - فرانسه - اسپانیا - انگلستان - هائیتی -	لائوس - ازبکستان - تاجیکستان - چین - اندونزی - ایران - برمه - بنگلادش - گرجستان - اسرائیل - روسیه - تایلند - ترکیه - افغانستان - هند - عراق - پاکستان - فلسطین - سریلانکا - افریقای مرکزی - کیپ ورد - گینه بیسائو - ماداگاسکار - کنگو برازاویل - سیرالئون - برونزی - اریتره - لیبیا - چاد - جمهوری دمکراتیک کنگو - مالی - مراکش - الجزایر - اتیوپی - نیجریه - سودان - سومالی - آندورا - کرواسی - مقدونیه - مولداوی - صربستان - بوسنی - فرانسه - آلمان - ایتالیا - اسپانیا - انگلستان - اکراین - هائیتی -	بنگلادش - چین - گرجستان - هند - اندونزی - ایران - عراق - برمه - نپال - پاکستان - فیلیپین - روسیه - سریلانکا - تایلند - ترکیه - برونزی - چاد - اریتره - اتیوپی - نیجریه - سودان - فرانسه - صربستان - اسپانیا - انگلستان - شیلی
بنیادگرای اسلامی ²	ژاپن - قزاقستان - عمان - قرقیزستان - تاجیکستان - چین - گرجستان - ازبکستان - مالزی - قطر - سنگاپور - ایران - سوریه - قطر - اسرائیل - اندونزی - اردن - کویت - امارات متحده عربی - بنگلادش - لبنان - فیلیپین - بحرین - روسیه - تایلند - ترکیه - یمن - عربستان - پاکستان - استرالیا - کومور -	قزاقستان - ازبکستان - عمان - قرقیزستان - مالزی - قطر - سنگاپور - تاجیکستان - چین - اندونزی - اردن - ایران - کویت - سوریه - امارات متحده عربی - بنگلادش - گرجستان - اسرائیل - لبنان - فیلیپین - بحرین - روسیه - عربستان - تایلند - ترکیه - افغانستان - هند - عراق - پاکستان - سنغال - جیبوتی - اریتره -	افغانستان - بحرین - بنگلادش - هند - ایران - عراق - اسرائیل - لبنان - فلسطین - فیلیپین - مصر - سومالی - سودان -
اسلام‌گرایی ملی			
اسلام‌گرایی جهانی			

پژوهش‌های بین‌رشته‌ای
روابط بین‌الملل

214

تحلیل ساختارهای ژئوپولیتیکی تروریسم در دهه اول هزاره سوم میلادی

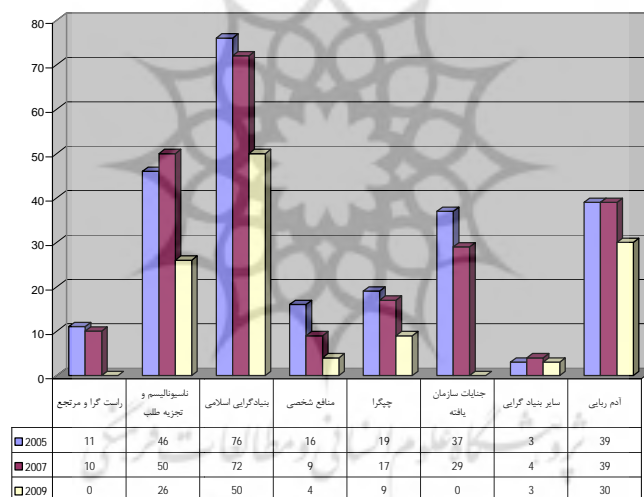
1. در سال 2009 ریسک این گونه پیش‌بینی شده، اما کشور خاصی را در بر ننگرفته است.
2. گونه بنیادگرایی اسلامی در سال 2009 به اسلام‌گرایی ملی و اسلام‌گرایی جهانی تغییر مفهوم داده است.

<p>موریتوس - سنگال - لیبی - افریقای جنوبی - مالی - نیجر - جیبوتی - اریتره - تانزانیا - چاد - کنیا - موریتانی - تونس - مصر - اتیوپی - نیجریه - سودان - الجزایر - سومالی - استونی - سوئیس - چک - آلبانی - لهستان - واتیکان - بلژیک - بوستی - دانمارک - آلمان - ایتالیا - هلند - یونان - فرانسه - اسپانیا - انگلستان - السالوادور - مکزیک - کانادا - امریکا - پاراگوئه - آرژانتین - ونزوئلا - برزیل</p>	<p>لیبی - افریقای جنوبی - تانزانیا - چاد - جمهوری دموکراتیک کنگو - کنیا - موریتانی - مالی - مراکش - نیجر - تونس - الجزایر - مصر - اتیوپی - نیجریه - سودان - سومالی - آلبانی - استونی - لهستان - صربستان - واتیکان - بلژیک - بوسنی - دانمارک - فرانسه - آلمان - ایتالیا - هلند - اسپانیا - انگلستان - کانادا - امریکا - مکزیک - پاراگوئه - آرژانتین - برزیل</p>	<p>کانادا - امریکا - آرژانتین - شیلی - ونزوئلا - اتریش - بلاروس - سوئد - سوئیس - اکراین - دانمارک - آلمان - هلند - انگلستان - نیوزلند - استرالیا</p>	<p>منافع شخصی</p>
<p>هند - اوگاندا - امریکا</p>	<p>هند - رواندا - اوگاندا - امریکا</p>	<p>هند - اوگاندا - امریکا</p>	<p>سایر بنیادگرایی</p>
<p>ژاپن - بنگلادش - فیلیپین - ترکیه - نپال - هند - آنگولا - ایتالیا - یونان - دومینیکن - پاراگوئه آرژانتین - برزیل - ونزوئلا - بولیوی - پرو - کلمبیا</p>	<p>ژاپن - بنگلادش - نپال - فیلیپین - روسیه - ترکیه - هند - یونان - السالوادور - پاراگوئه - آرژانتین - بولیوی - برزیل - شیلی - اکوادور - پرو - کلمبیا</p>	<p>ژاپن - چین - گرجستان - ایران - اندونزی - بنگلادش - فیلیپین - روسیه - یمن - افغانستان - هند - عراق - پاکستان - لیبیا - افریقای جنوبی - آنگولا - نیجریه - سومالی - سودان - الجزایر - چک - کاستاریکا - اسپانیا - السالوادور - هندوراس - گواتمالا - پاناما - ترینیداد و توباگو - هائیتی - مکزیک - سورینام - پاراگوئه - آرژانتین - بولیوی - برزیل - اکوادور - ونزوئلا - پرو - کلمبیا</p>	<p>چپ‌گرا و مارکسیست</p>
<p>افغانستان - بنگلادش - چین - هند - ایران - عراق - نپال - پاکستان - فلسطین - فیلیپین - روسیه - تایلند - ترکیه - یمن - الجزایر - جمهوری دموکراتیک کنگو - مصر - اریتره - اتیوپی - کنیا - مالی - نیجر - نیجریه - سومالی - سودان - تونس - اوگاندا - کلمبیا - پرو - ونزوئلا</p>	<p>ژاپن - مالزی - چین اندونزی - ایران - بنگلادش - گرجستان - فیلیپین - عربستان - تایلند - افغانستان - هند - عراق - پاکستان - فلسطین - یمن - اریتره - لیبیا - افریقای جنوبی - مالی - الجزایر - اتیوپی - نیجریه - سودان - سومالی - کاستاریکا - هائیتی - هندوراس - پاناما - ترینیداد و توباگو - مکزیک - پاراگوئه - بولیوی - برزیل - اکوادور - ونزوئلا - پرو - کلمبیا</p>	<p>ژاپن - چین - گرجستان - ایران - اندونزی - بنگلادش - فیلیپین - روسیه - یمن - افغانستان - هند - عراق - پاکستان - لیبیا - افریقای جنوبی - آنگولا - نیجریه - سومالی - سودان - الجزایر - چک - کاستاریکا - اسپانیا - السالوادور - هندوراس - گواتمالا - پاناما - ترینیداد و توباگو - هائیتی - مکزیک - سورینام - پاراگوئه - آرژانتین - بولیوی - برزیل - اکوادور - ونزوئلا - پرو - کلمبیا</p>	<p>آدم‌ریایی</p>

-	کامبوج - ژاپن - قزاقستان - لاتوس - گرجستان - ایران - روسیه - تایلند - موزانیک - نیجریه - مراکش - اتریش - استونی - ایرلند جنوبی - لاتویا - اکراین - آلبانی - کرواسی - لهستان - مولداوی - اسپانیا - بوسنی - ایتالیا - هلند - دومینیکن - گواتمالا - هندوراس - جامائیکا - ترینیداد و توباگو - مکزیک - پاراگوئه - آرژانتین - بولیوی - برزیل - ونزوئلا - پرو - کلمبیا	جنایات سازمان یافته ¹
---	---	-------------------------------------

Terrorism risk map 2005, 2007, 2009

نمودار شماره 2. تفکیک گونه‌های تروریستی در سال‌های 2005، 2007 و 2009



منبع: استخراج نگارندگان از نقشه‌های Terrorism risk map 2005, 2007, 2009

نتیجه‌گیری

با توجه به آمارها و دسته‌بندی‌های صورت گرفته که حاصل پیاده‌سازی اطلاعات سه نقشه ریسک تروریسم جهان در سال‌های 2005، 2007 و 2009 است، می‌توان گفت ریسک تروریسم در جهان از ابتدای دهه اول سده هزاره میلادی تا پایان آن

1. جنایات سازمان یافته در سال 2009 از گونه‌های تهدید حذف شده است.

کاهش نسبی داشته، ولی همچنان ریسک‌های نقطه‌ای حاصل از فعالیت گروه‌های تروریستی و یا افراط‌گرا در کشورهای چوچون عراق، افغانستان، پاکستان و سومالی زیاد هستند. آنچه در دسته‌بندی کشورهای جهان از لحاظ ریسک تروریسم مشخص است، پایداری ریسک تروریسم بنیادگرای اسلامی در بسیاری از کشورهاست. اگرچه سوءظن دوجانبه مسلمانان و غرب بر این ریسک‌ها می‌افزاید، اما می‌توان عنوان داشت که ایجاد روندهای دمکراسی‌سازی از طریق روی کار آمدن حکومت‌های مردمی و ایجاد ثبات سیاسی در کشورهای کم‌ثبات و یا دارای ریسک‌های امنیتی زیاد، می‌تواند به نحو ملموسی از تهدیدات تروریستی بکاهد؛ از این رو، در پاسخ به سؤال اول این مقاله باید عنوان کرد که گونه‌های تروریستی بنیادگرای اسلامی، ناسیونالیسم و تجزیه‌طلبی، آدم‌ربایی و جنایات سازمان‌یافته به ترتیب اولویت از مهم‌ترین گونه‌های تروریستی در دهه اول هزاره سوم میلادی هستند و نیز بررسی ریسک‌های تروریستی در کشورهای جهان نشان می‌دهد که این دسته از ریسک‌ها از ابتدا تا انتهای مقطع زمانی مورد نظر رو به کاهش پیش رفته و همچنین از میزان حملات و نیز کشته و زخمی‌شدگان عملیات‌های تروریستی نیز کاسته شده است.

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ‌های عراق و افغانستان و نیز سقوط دولت قزاقی که از حامیان تروریسم محسوب می‌گشت، نشان‌دهنده عزم جامعه بین‌الملل در مبارزه با تروریسم و حامیان آن است. کشورهایی نظیر ایالات متحده تلاش می‌کنند در اقدامات خود علیه تروریست‌ها جامعه جهانی را با خود همراه سازند و این‌الگو به خصوص پس از روی کار آمدن دولت اوباما تجلی پیدا کرده است؛ در نتیجه، در پیش‌بینی چشم‌انداز تروریسم در سطح جهان، نمی‌توان آن را رو به زوال دانست، بلکه تغییر در شیوه‌های تروریستی و پیوستگی گروه‌های تروریستی در سطح جهان به خصوص از طریق فضای سایبر تغییردهنده سیاست‌ها در مواجهه با عملیات‌های تروریستی خواهد بود.

کتابنامه

- برادن، کتلین و فرد، شلی (1384). ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
- دردریان، جیمز و دیگران (1384). تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری علیرضا طیب، ترجمه وحید بزرگی و دیگران، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- رهامی، محسن و علی‌نژاد، آذر (1390). «ریشه‌های ایدئولوژیک تروریسم»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 41، پاییز، (3). صص 151-131.
- سیمبر، رضا (1385). «شکل‌گیری همکاری بین‌المللی در مواجهه با تروریسم: فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها»، پژوهش علوم سیاسی، بهار و تابستان، (2). صص 171-147.
- عبدالله‌خانی، علی (1386). تروریسم شناسی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- کایراش، جینز (1383). «تروریسم و جنگ‌های نامنظم»، در: استراتژی در جهان معاصر مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک، جان بیلز و دیگران، ترجمه بابک خبیری، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- کریمی پاشاکی، سجاد و علیزاده، عمران (1389). «تروریسم، مذهب و چالش‌های فرا روی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق بشر دانشگاه مفید قم، جلد 4، زمستان، (2)، شماره پیاپی 8. صص 92-77.
- کریمی پاشاکی، سجاد و یحیی‌پور، محمدصادق (1392). «قلمروخواهی: گذار از تروریسم به ژئوتروریسم»، فصلنامه علمی تخصصی گردشگری و چشم‌انداز آینده، تابستان، 3 (3).
- Cordesman, Anthony H. and Arleigh A. Burke (2011). US State Department and Counter-Terrorism Center Reporting Terrorism in the Middle East and Central Asia, August 2010, Published by CSIS
- Flint, Colin (2005). *the Geography of War and Peace from Death Camps to Diplomats*, Edited by Colin Flint, Published by Oxford University Press, Inc.
- _____(2006). *Introduction to Geopolitics*, This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- Gray, Colin S. (2007). *War, Peace and International Relations*, published by Rutledge.
- Homeland Security Advisory System, "Are you ready?", at: www.fema.gov/pdf/areyouready/terrorism.pdf

http://en.wikipedia.org/wiki/Aon_plc

<http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism>

<http://www.aon.com/about-aon/company-overview.jsp>

Kushner, Harvey W. (2003). *Encyclopedia of terrorism*, California: Sage Publications.

O'Loughlin, John V. (1994). *Dictionary of geopolitics*, published by Greenwood Publishing Group.

Terrorism risk Map, (2005): folk.uio.no/erikro/WWW/corrgr/insurance/terrorismMap.pdf

_____, (2007): www.windowgard.nl/bestanden/aon.pdf

_____, 2009: <http://www.aon.com/germany/ueber-aon/presse/terrorism-threat-map-2009.jsp>

